

# نان و گل‌های سرخ؛ نقش زنان در شورش‌های نان

مریم رضایی



در حکومت‌های استبدادی، احزاب به شدت ناتوان و از نفس افتاده اند. در چنین شرایطی شورش و اعتراضات توده‌ای با نقش پررنگ زنان، که اغلب از حقوق برابر نیز بی‌بهره‌اند، می‌تواند جایگاه تازه‌ای در اعتراضات مردمی پیدا کند. زنان معترض در همان نقش‌های تاریخی و خانوادگی در این عرصه نیز وارد می‌شوند تا نماد عدالت خواهی جمعی باشند.

هجوم زنان گرسنه و عصبانی از نبودن نان به سمت کالسکه ناصرالدین‌شاه در روز یازدهم اسفند ۱۲۴۰ شمسی و در ادامه کتک زدن کامران‌میرزا، قطعاً اولین شورش نان با حضور زنان در ایران نبود، ولی ثبت نسبتاً دقیق روایت این اتفاق تاریخی و مجموعه اقدامات، اعدام‌ها و مجازات عوامل و مجریان از سوی ناصرالدین‌شاه برای کنترل قیمت نان و در واقع کنترل قیامی که دستگاه حکومتی را فلج کرده بود باعث شده این روایت یکی از بهترین روایت‌هایی باشد که از شورش نان در ایران ثبت شده است. به‌غیر از این، در همین دوران، موارد دیگری از شورش‌های نان با حضور زنان در اصفهان و شیراز و تبریز به ثبت رسیده است.

اما زنان چطور در جامعه‌ای که از حضور در عرصه عمومی نیز به‌دور می‌مانند، چنین نقشی را در این اعتراضات و شورش‌ها ایفا می‌کنند؟

ونسا مارتین، از ارتباط نقش‌های زنانه در شورش‌های نان با نقش‌های زنانه در مراسم عزاداری عاشورا و به‌ویژه مراسم تعزیه سخن می‌گوید. او معتقد است که «نقش زنان در تعزیه آنان را به‌طور غیرمعمول در عرصه چالش سیاسی قرار می‌داد، برخلاف انگاره مسیحی از زنان به‌عنوان عناصری صلح‌طلب و راضی و تسلیم. گرچه زنان شیعی عملاً نمی‌جنگند یا کشته نمی‌شوند اما در حمایت و هم‌دلی جامعه نقش قدرتمندی دارند» (مارتین، ۱۳۹۴: ۱۹۱)

در عین حال، چهره پوشیده زنان در فرهنگ ایرانی، به همراه حذف حضور و صدایشان از عرصه عمومی، به این حضور استثنایی عنصری دراماتیک‌تر از حضور مردان می‌بخشد. چه‌بسا که در مواردی، مثل ترس از عواقب سنگین اعتراض برای مردان، این حضور زنان، که از معادلات سیاسی و حقوقی کنار گذاشته شده بودند، بلاگردان جامعه بوده باشد.

شورش‌های نان» یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های اعتراض سیاسی-اقتصادی در تاریخ جهان» است. شورش نان یا شورش برای غذا اصطلاحی است که به اعتراض توده مردم نسبت به افزایش قیمت یا کمیاب شدن مواد غذایی اساسی اطلاق می‌شود.

در زبان فارسی نیز بسیاری از داستان‌ها از نقش ویژه زنان، مادران فقیر و زنان سالخورده در به چالش کشیدن نیروهای حاکم در ایران و فرهنگ ایرانی حکایت می‌کنند؛ از پیرزنان که راه بر شاهان می‌بندند و به قصه و پند و کنایه از آنان می‌خواهند صدای رنج فقرا را ناشنیده نگذارند و از استواری کاخ حکومتشان بیمناک باشند، تا تصویر مادرانی که کودکان گرسنه و گریان را به اعلامیه حقانیتشان در برابر ظلم حاکم تبدیل می‌کنند. این نقش، گرچه در ایران ویژگی‌ها و زبان خاص خود را دارد، در تاریخ جهان پرتکرار است. در اکتبر ۱۷۸۹، یکی از مهم‌ترین

شورش‌های نان با حضور زنان در فرانسه به وقوع پیوست. زنان فرانسوی خشمگین از نبود نان به سمت کاخ ورسای راهپیمایی کردند. بین شورشیان و کاخ‌نشینان جملاتی ردوبدل شد که بعداً مصداق‌های تاریخی دیگری هم پیدا کرد. می‌گویند وقتی خبر اعتراض مردم به نبودن نان به گوش «ملکه فرانسه، ماری آنتوانت، می‌رسد او در پاسخ با تعجب می‌پرسد: «چرا کیک نمی‌خورند؟ اینکه آیا بهراستی ماری آنتوانت گوینده این جمله است یا نه از منظر تاریخی چندان مهم نیست، زیرا ماهیت طرح این جمله بیش از هر چیز قرار است به خواننده یا شنونده تاریخ از برملا شدن شکاف بین حاکم و مردم خبر بدهد؛ شکافی چنان عمیق که خبر از ناممکنی ارتباط بین این دو می‌دهد و پر کردنش تنها پاسخی انقلابی می‌طلبد. همین منطق است که به شورش‌های نان، جدا از ماهیت اقتصادی آنها، معنایی شدیداً سیاسی می‌بخشد.

### شورش نان

شورش‌های نان» یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های اعتراض سیاسی-اقتصادی در تاریخ جهان است. «شورش نان یا شورش برای غذا اصطلاحی است که به اعتراض توده مردم نسبت به افزایش قیمت یا کمیاب شدن مواد غذایی اساسی اطلاق می‌شود. بیشتر این اعتراضات در فضای شهری رخ می‌دهد و بستری برای اعتراضات سیاسی گسترده‌تر فراهم می‌کند. اغلب مواد غذایی که اعتراضات حول محور آنها صورت می‌گیرد دانه‌های غلات به‌خصوص محصولات مثل نان هستند. البته این اعتراضات و شورش‌ها در مورد مواد غذایی اساسی دیگر همچون گوشت هم صورت گرفته است. در تاریخ معاصر نمونه‌های فراوانی از شورش نان در کشورهای مختلف (شورش نان در بوستون، ماساچوست ۱۷۱۰-۱۷۱۳، مانیپور هند ۱۹۳۹، ژاپن ۱۹۱۸ و مصر ۱۹۷۷) به ثبت رسیده است.

تصویری که از شورش نان در شکل‌های مختلف در ذهن ما وجود دارد تصویر جمعیت فقیر، گرسنه و عصبانی‌ای است که به‌دلیل نایاب یا گران شدن حداقل‌های زندگی به خیابان می‌آیند تا نظم موجود را به پرسش بگیرند، نظمی که آنها را نادیده گرفته است. شورش‌های نان، همچون غالب لحظات انقلابی سرنوشت‌ساز در تاریخ، مملو از داستان‌ها و روایت‌هایی‌اند که گاه عناصری از افسانه نیز در آنها دیده می‌شود. با این حال، این داستان‌ها، که روایت‌گر جسارت و قهرمانی بی‌نام‌ونشان‌ترین آدم‌ها یعنی کسانی هستند که همواره از روایت تاریخ رسمی مستند کنار گذاشته شده‌اند، در واقعیت زیست طبقه فرودستان و حاشیه‌نشینان ریشه دارند. توده‌ای بودن و هیجانی بودن این لحظات گاه چهره‌هایی را از اعماق سیاه جامعه بیرون می‌کشد و کلماتی را بر زبان آنان جاری می‌کند که اغلب بدون نام مؤلف واقعی‌شان یا با نام مؤلفی فرضی به عرصه تاریخ پرتاب و در ادامه، تأثیرگذار می‌شوند.

## نان و گل‌های سرخ

در اغلب روایت‌هایی که از شورش‌های نان می‌شود نقش زنان پررنگ است. گرچه مردان نیز در این شورش‌ها حضور دارند، در بسیاری از آنها از زن یا زنانی صحبت می‌شود که جمعیت را تهییج و هدایت می‌کنند. این تنها زنان ورسای نبودند که تصویری ماندگار از حضورشان در شورش نان ثبت شده است. «زنان نقش پررنگی در شورش‌های انگلیس در فاصله سال‌های ۱۷۹۰-۱۸۱۰ داشتند، اما این اهمیت نادیده گرفته شده است. زنان اغلب به‌عنوان نمونه‌ی عالی رهبران شورش‌های غذا و مسئول تعیین قیمت عادلانه بودند. در اولین سری مطالعات شورش‌های غذایی، هاموندها سال ۱۷۹۵ را سال انقلاب خانمداران» نامیدند. آنها تأکید داشتند که در انقلاب‌های غذایی این سال یک بخش مشخص توسط زنان صورت گرفت، و آنها نیمی از آن زنان که در تاریخ نقش مهمی در تقسیم عادلانه غذا (Bohstedt: ۱۹۸۸) «معترضان بودند در خانواده خود دارند در تقسیم مواد غذایی بین مردم شهر نیز نقش ویژه‌ای پیدا می‌کنند

نقش زنان در تعزیه آنان را به‌طور غیرمعمول در عرصه چالش سیاسی قرار می‌داد،» برخلاف انگاره مسیحی از زنان به‌عنوان عناصری صلح‌طلب و راضی و تسلیم. گرچه زنان «شیعی عملاً نمی‌جنگند یا کشته نمی‌شوند اما در حمایت و هم‌دلی جامعه نقش قدرتمندی دارند

•  
در بسیاری از شورش‌های نان، زنان با تأکید بر نقش مادرانه و به‌عنوان مسئول تغذیه خانواده به خیابان می‌آمدند. در فوریه ۱۷۹۳، زنانی که برای اعتراض به قیمت نان به خیابان‌ها آمدند، می‌گفتند: «وقتی کودکان مان از ما شیر می‌خواهند ما رفع نیازشان را به پس‌فردا موکول نمی‌کنیم» (روباتام، ۱۳۹۰: ۴۲)

بنابراین، زنان که از حقوق سیاسی بی‌بهره‌اند. از نقش‌های جنسیتی‌شان به‌عنوان دلیل حضورشان در فضای سیاسی استفاده می‌کنند. این مساله قابل فهم است که چرا اولین اشکال حضور سیاسی زنان در قالب شورش‌های نان متبلور می‌شد. «مسئولیت اجتماعی زنان در مقام مادر اعتراض آنها به دولت و اقتصاد را مشروعیت بخشیده و اعمال قدرت مستقیم آنان، در حال‌وهوای انقلاب برای مهار نیروهای بازار، معنای سیاسی نویی پیدا می‌کند. این زنان در ۱۷۹۲، در لیون، کنترل حکومت شهر را عملاً در دست گرفتند و برای نان و گوشت به مغازه‌ها هجوم بردند و اجناس آنها را با قیمتی که خود عادلانه می‌دانستند به فروش رساندند» (روباتام، ۱۳۹۰: ۴۲)

یکی از تأثیرگذارترین شورش‌های نان، اعتصاب نان و گل‌های سرخ کارگران نساجی در لاورنس ماساچوست است که صد سال پیش در اواخر زمستان نیوانگلند آغاز شد. در این اعتصاب که وسعت و تأثیرات قابل توجهی داشت و دو ماه به طول انجامید جمع کثیری از زنان و کودکان

کارگر در اعتراض به حقوق ناچیزشان اعتصاب کردند. یکی از زنان شرکت‌کننده در این اعتصاب پلاکاردی در دست داشت با این مضمون: «ما نان می‌خواهیم و گل‌های سرخ هم». این عبارت درخشان را پیش‌تر هلن تادا، یکی از فعالان حق رأی زنان در امریکا، در سخنرانی‌اش به‌کار برده بود. او در توضیح این عبارت می‌گوید:

زن نیروی مادری در جهان است و حق رأی او به پیش بردن دورانی کمک می‌کند که در آن «نان زندگی - که چیزی نیست جز خانه، سرپناه و امنیت - و همچنین گل‌های سرخ زندگی - که همان موسیقی، آموزش، طبیعت و کتاب‌ها هستند - به میراث هر کودکی که در کشور به دنیا می‌آید بدل می‌شود. همان کشوری که زن در اداره آن سهمی دارد

اعتصاب نان و گل‌های سرخ کارگران نساجی در لاورنس ماساچوست



رز شیدرمن<sup>۲</sup>، کارگر هلندی‌الاصول در امریکا، در کمپین دیگری در سال ۱۹۱۲ در توضیح این واژه می‌گوید:

آنچه زن کارگر می‌خواهد حق زندگی کردن است، نه فقط وجود داشتن؛ حق زندگی کردن،  
آن‌طور که زن ثروتمند حق زندگی کردن دارد، و حق آفتاب و موسیقی و هنر» (۲۰۱۹)

Thompson.

نکته این است که زنان و فقرا این بار، علاوه بر نان و برابری در ضرورت بقا، به سهم ناچیزشان از زندگی و شادمانی در آن نیز معترض بودند. بعدها شاعری به نام جیمز اینهم ۳ این عبارت را در شعرش به نام «نان و گل‌های سرخ» استفاده کرد. اعتصاب نان و گل‌های سرخ اولین اعتصاب در مقیاس بزرگ در امریکا بود. خشونت وسیع صاحبکاران و دولت در برابر نبوغ و همبستگی کارگران از ویژگی‌های اصلی این اعتصاب بود که آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اتفاقات در تاریخ ایالات‌متحده ثبت کرده است. بسیاری از ویژگی‌های فلسفی و استراتژیک این اعتصاب مشابه جنبش اشغال وال‌استریت بود. عمل مستقیم، نقش برجسته زنان، مرکزیت طبقه، تصمیم‌گیری مشارکتی، تأکید بر تساوی‌گرایی، و اعتقاد بر این اصل لِرزان که ما (Hensley) همه رهبریم، از ویژگی‌های برجسته و آموزنده آن برای جنبش کارگری بود (۲۰۱۳).

#### شورش‌های نان و اقتصاد اخلاقی

این پدیده که مردم در اعتراض به گرسنگی به خیابان بیایند تاریخی بسیار طولانی دارد. سیسرو (۴۳-۱۰۶ قبل از میلاد) یکی از شاهدان دست اول این شورش‌هاست که خانه‌اش مورد حمله جمعیت گرسنه و خشمگین قرار گرفت. اولین مطالعه جدی شورش برای غذا به‌عنوان یک پدیده سیاسی را ای‌پی تامپسون با عنوان «اقتصاد اخلاقی جمعیت انگلیس در قرن هجده» (۱۹۷۱) انجام داد. در مطالعه او، آغازگر شورش‌های غذایی اغلب زنان بودند. دلیل این مساله، به اعتقاد تامپسون، این بود که غالباً زنان به‌صورت مستقیم و روزانه از بازار خرید می‌کردند، به تغییرات قیمت‌ها بسیار حساس بودند و به‌دنبال کالاهای کم‌کیفیت و ارزان‌تر می‌گشتند. نکته کلیدی در مطالعه تامپسون این بود که شورش برای غذا از نظر او صرفاً به‌منظور جبران کسری غذا در اقتصاد مادی نبود، بلکه نشانه اعتراض به قوانینی بود که نحوه عمل اقتصاد را تعیین می‌کردند. او از اصطلاح «اقتصاد اخلاقی» استفاده کرد تا به گروهی از ایده‌های سیاسی و پیشاسیاسی اشاره کند؛ ایده‌هایی که در جامعه‌ای تولید می‌شوند که ابزارهای طبیعی و مطلوب تقسیم رفاه عمومی را مدیریت می‌کند. اقتصاد اخلاقی نه‌تنها مانیفست شورشیان در دوره‌های اعتراض بود، بلکه از ضروریات زندگی اجتماعی و حکمرانی در قرن هجدهم به حساب می‌آمد. به‌زعم تامپسون، کلمه شورش برای توضیح همه آنچه در پس آن وجود دارد بسیار کوچک است. تحلیل‌های وی ابزاری برای فهم برخی از شورش‌های غذایی قابل توجه در قرن هجدهم، که عمدتاً (Bohstedt, ۱۹۸۸ patel & Mcmicheal, ۲۰۰۹) در فرانسه اتفاق افتاده‌اند، به ما می‌دهد. این پرسش که چرا زنان نقش مهمی در شورش‌های نان داشته‌اند پاسخ‌های دیگری نیز داشته است. رابرت سوزی، شاعر انگلیسی و از شاهدان این وقایع، در توضیحی متفاوت و کلی می‌گوید:

زنان بیشتر مستعد یاغی شدن هستند. آنها کمتر از قانون می‌ترسند، بخشی به این دلیل که نادیده گرفته می‌شوند و بخشی به این دلیل که به نظر می‌رسد بیش از حد روی مزیت جنسی‌شان حساب کرده‌اند. بنابراین، آنها در همه آشوب‌های عمومی در صف نخست مورد خشونت و ستم قرار می‌گیرند»

ناتالی زمونس داویس ۴ نیز معتقد است که در نوزایی دوران مدرن اروپا، زنان به‌دلیل مشارکت در شورش‌ها و شهوانیتی که تصور می‌شد دارند تجسم کامل بی‌قاعدگی و بی‌نظمی در نظر گرفته می‌شدند. از این رو، شاید مردان انقلابی حتی شبیه زنان لباس می‌پوشیدند تا نشان دهند که نظم جهان وارونه شده است. دیگر مطالعات بر این مساله تأکید داشته‌اند که رهبری زنانه ویژگی متمایز شورش‌های غذایی بود. یک فمینیست مارکسیست هم نتیجه گرفته است که امتیاز زنان طبقه کارگر در این کشمکش‌های طبقاتی در بازار دقیقاً از نقش‌های خانوادگی به‌عنوان مبنای دستمزد ناشی می‌شود.

برخی از مطالعات نیز درباره نقش ویژه زنان در تاریخ شورش‌های غذایی تردید دارند و معتقدند که زنان در بسیاری از شورش‌های غذایی نقش ویژه‌ای ندارند. کنت لوگ در یک پیمایش، درباره شورش‌های اسکاتلندی، نتیجه می‌گیرد که نقش‌های زنانه در شورش‌های اسکاتلندی به‌شکل معناداری با نقش‌های مردانه متفاوت نیست. جین رندال می‌گوید که به نظر می‌رسد رهبری زنان در شورش‌های غذایی به این دلیل زیاد به چشم می‌آید که با کم بودن حضور و ظهورشان در دیگر (Bohstedt, 1988) شکل‌های فعالیت سیاسی در تضاد است.

اما جدا از چندوچون حضور و نقش زنان باید دانست که شورش برای غذا به‌سادگی فقط درباره قیمت و دسترسی به خوراکی‌های اساسی نیست، بلکه پدیده پیچیده‌تری است و به اقتصاد سیاسی تهیه غذا مربوط است. از یک منظر تاریخ جهانی، شورش برای غذا همیشه به چیزی بیش از غذا مربوط بوده است. معمولاً پدیدار شدنش نشانه یک دوره انتقالی و تغییر در نظم اقتصاد سیاسی است. گذشته از این، مثل قحطی، شورش‌های غذایی اغلب مرحله‌ای از یک فرایند طولانی‌مدت مقدماتی تا رسیدن به بحرانی آشکار را نشان می‌دهند و به فرایند محرومیت و فرسایش ساختاری حقوقی فرودستان اعتراض می‌کنند. شورش برای غذا، به بیان دیگر، سیاسی است و به همین دلیل تفسیر آن نیازمند توجه به مطالبات سیاسی و کشمکش‌های قدرت است.

شیوه‌های اعتراض در نظم اقتصاد سیاسی مدرن الگوهای تازه‌ای می‌یابد. در این میان، زنان که نه نقش ویژه‌ای در اقتصاد صنعتی مدرن پیدا می‌کنند و نه از حقوق مدنی برخوردار می‌شوند. نماینده شیوه‌های توده‌ای شورش‌های نان خواهند شد.

درواقع، این دینامیسم اقتصاد اخلاقی و تصور مردم از بی‌عدالتی (و نه فقط کمبود ساده غذا) است که به بهترین شکل ظهور اعتراضات توده‌ای را قابل پیش‌بینی می‌کند. باید دانست که تغییر از اقتصاد پدرسالاری فنودالی به سیاست اقتصاد آزاد یک‌باره اتفاق نیفتاده، بلکه به‌شکلی ناپیوسته و گاه خشن بوده است. تئوری‌پردازان تکمیل موفقیت‌آمیز پروژه بورژوازی را پایان این‌گونه اعتراضات می‌دانند. پایان اعتراضات زمانی است که تنظیم بازارهای غذایی به‌شکل موفقیت‌آمیزی صورت بگیرد یا زمانی که اشکال تازه اعتراض (مثل اعتصاب به‌منظور دریافت حقوق بالاتر برای تهیه کردن غذای بهتر یا بیشتر) بر شکل‌های قدیمی‌تر اعتراض توده‌ای مسلط شود. کارل پولانی (۱۹۵۷) این فرایند را با عنوان «کشف جامعه» مفهوم‌پردازی می‌کند، به این معنا که با فشار اجتماعی - که بخشی از آن از طریق شورش برای غذا صورت می‌گیرد - مضامین پیشاصنعتی اقتصاد اخلاقی با مفاهیم عقلانی حقوق مدنی و حمایت اجتماعی در دولت (patel & Mcmicheal، ۲۰۰۹) رفاه غربی (که در میانه قرن بیستم ظهور کرد) جایگزین می‌شوند.

با این توصیف، شیوه‌های اعتراض در نظم اقتصاد سیاسی مدرن الگوهای تازه‌ای می‌یابد. در این میان، زنان که نه نقش ویژه‌ای در اقتصاد صنعتی مدرن پیدا می‌کنند و نه از حقوق مدنی برخوردار می‌شوند نماینده شیوه‌های توده‌ای شورش‌های نان خواهند شد. بنابراین، درحالی‌که مردان از طریق سازمان‌دهی جمعی مثل اتحادیه‌های تجاری و جنبش‌های سیاسی شروع به توسعه شکل‌های تازه‌ای از اعتراض می‌کنند، کار زنان و موقعیت اجتماعی‌شان آنها را به اندازه کافی برای مشارکت در این اشکال تازه مهیا نمی‌کند. زنان به هدایت شورش‌های غذایی در شهرهای در حال رشد ادامه می‌دهند، درحالی‌که عملاً رهبر یک شکل مخالفت و اعتراض سیاسی منسوخ شده‌اند. صنعتی شدن به غیرسیاسی شدن نسبی زنان منجر می‌شود، درست همان‌طور که نهایتاً به جدایی کار از خانه و افزایش اختلاف نقش‌های جنسیتی در کار انجامید. تضاد بین نقش‌های مردانه و زنانه در اعتراض جمعی از سال ۱۸۰۰ تاکنون را می‌توان در انواع مختلف شورش‌ها و شهرهای گوناگون یافت. به نظر می‌رسد که کار و الگوی سیاست‌های جمعی با مسئله شورش و (Bohstedt, 1988) تاکتیک‌های شکل‌گیری نقش‌های زنانه در شورش‌ها ارتباط متقابل دارد. با وجود این نمی‌توان گفت که الگوی معمول شورش‌های نان به‌کلی منسوخ شده و کنار گذاشته شده است یا تأثیرگذاری کافی ندارد. حداقل ظهور اشکال تازه اعتراضاتی چون جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه و اعتراضات در کشورهای عربی از ناکارآمدی و برکنار ماندن نهادهای صنفی و مدنی در نمایندگی اعتراضات توده‌ای مردم حکایت دارد. ناامیدی از احزاب چپ در بسیاری از کشورها باعث پدیدار شدن شیوه‌های نوآورانه‌ای در الگوی شورش‌های نان در دنیای امروز شده است. از طرف دیگر، از آنجا که هنوز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه امکان شکل‌گیری



اتحادیه و اعتراض صنفی و کارگری مستقل وجود ندارد، شاهد بازگشت به شیوه‌های اعتراضی در شورش‌های نان هستیم. احزاب، گرچه سابقه دیرینه‌ای در کشورهای غربی دارند، در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته دارای نقش روشنی نیستند و حتی توان نمایندگی کردن بخش زیادی از بدنه اقتصادی-سیاسی موجود را نیز ندارند. در موارد زیادی به دلیل ماهیت استبدادی حکومت در این جوامع، احزاب به شدت ناتوان و از نفس افتاده اند. در چنین شرایطی است که شورش و اعتراضات توده‌ای با نقش پررنگ زنان، که اغلب از حقوق برابر نیز بی‌بهره‌اند، میتواند جایگاه تازه‌ای در اعتراضات مردمی پیدا کند. زنان معترض در همان نقش‌های تاریخی و خانوادگی در این عرصه نیز وارد می‌شوند تا نماد عدالت‌خواهی جمعی باشند. تصویر برانگیزاننده زنان معترض در جنبش‌های بهار عربی و حتی در اعتراضات کشورهای آمریکای جنوبی، خبر از ظرفیت‌های تازه این شکل اعتراضی در عرصه سیاست جهانی دارد.

ظاهراً شورش‌های نان، بستر مناسبی برای حضور سیاسی زنان در دوران مدرن فراهم می‌کنند، حضوری که در ادامه با جنبش حقوق زنان نیز پیوندهایی جدی می‌یابد. به‌طور مثال، در فرانسه، این حضور سیاسی از طریق سیاسی شدن نقش مادری ممکن شد، زیرا زنان در شرایطی بودند که هر گونه حضور سیاسی و غیرسیاسی آنها جدا از نقش‌های خانوادگی‌شان ناممکن بود. بنابراین، حضور سیاسی زنان در قالب شورش‌های نان می‌توانست زمینه‌ساز طرح برابری حقوق زن و مرد پس از انقلاب شود. در ادامه، این حضور و تلاش‌های انقلابی زنان زمینه را برای طرح حقوق برابر بین دو جنس مهیا کرد. در فرانسه «در سپتامبر ۱۷۹۲، طلاق امکان‌پذیر شد و توافق صورت گرفت که پس از طلاق، دختران نزد مادران و پسران نزد پدران بمانند. در ۱۷۹۳، زنان حق سهیم شدن در اموال خانواده را کسب کردند و دختران از حق ارث برابر با پسران برخوردار شدند» (روباتام، ۱۳۹۰: ۴۳)

پی‌نوشت‌ها

۱. Helen todd

۲. Rose schneiderman

۳. James Oppenheim

۴. Natalie Zemon Davis

منابع

شیلا روباتام، زنان در تکاپو: فمینیسم و کنش اجتماعی، ترجمه حشمت‌الله صباغی، نشر - ۱

شیرازه، ۱۳۹۰

ونسا مارتین، دوران قاجار: چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران قرن نوزدهم، ترجمه افسانه - ۲

منفردزاده، نشر اختران، ۱۳۹۴

Raj Patel & Philip McMichael, A Political Economy of the-۳ Food Riot,  
2009: <https://www.researchgate.net>.

۴-John Bohstedt, "Gender, Household and Community Politics Women  
in English Riots 1790-1810", Past & Present, No. 120 (Aug, 1988), pp.  
88-122

۵- Randi Hensley, "bread and roses: THE LAWERENCE STRIKE",  
ISR, international socialist review, issue, 88, 2013 ۶- Rachel  
Thompson, "The history behind the bread and roses: theme to the  
London women's March, [www.mashable.com](http://www.mashable.com), 18 Jan 2019